

سرکش زمستانی چهارگنبد رام شد، حتما در کنار
نشیمنگاه بلبل به شب‌نشینی سبزه و گل بنشینید.
آنجا که از هر گوشه‌اش صدایی چون سروش آسمانی
می‌آید.

صدایی ز نی‌های شبانی در میان آبادی‌های چهارگنبد
که شاید تا چند سال بعد در میان دودهای معادن مس
برای همیشه محو شوند.

برای یادآوری اهمیت طبیعت سابقا بکر و کوهستانی
این منطقه هم که شده، عکس‌هایی از زیبایی پاییزی
آن منتشر می‌کنیم تا معادن یادشان نرود دست کم در
راستای مسئولیت اجتماعی نسبت به تخریبی که به این
زیست بوم گیاهی و جانوری روا داشته اند، کمی هم
جبران خرابی کنند.

درختان الوک و گردو، زیر درخشش نور ستارگان روشن
و پرتوفشانی مهتاب، حلاوتی دارد که باید شبی را در
چهارگنبد گذرانده باشید تا معنای آن را با تمام وجود
درک کنید. هنگام غروب وقتی که شب به چهارگنبد
می‌ریزد اگر نزدیک آبادی‌ها باشید صدای زنگوله
گوسفندان و هی‌هی چوپان‌ها را می‌شنوید که حکایت
از جاری بودن زندگی در این منطقه ییلاقی سیرجان را
دارد. اگر چه بسیاری از قدیمی‌های چهارگنبد سر به
تیره تراب گذاشته‌اند، اما باز هستند پیرانی که در شب،
میهمان خانه یا چادر با صفای آنها شوید تا با نوای نی،
شرمهای از ترانه‌های محلی سیرجان را برایتان بخوانند.

از اینجا تا به کرمان سه تا گذاره

گذاره اولی نقش و نگاره

گذار دومش مخمل بیوشم

گذار سومی دیدار یاره.

می‌خوام بار سفر بندم به سیر جون

دل‌م در پیش تو هسته گروگون

از آن روزی که از پیش تو رفتم

به جای اشک میاد از دیده‌ام خون....

وزش نسیمی خنک و یژگی همیشگی شب‌های تابستان
چهارگنبد است که البته در نزدیکی‌های صبح کمی
سرمایش تن آدمی را به چالش می‌کشد. با وجود این،
دیدن نقش مهتاب در قنات‌های پر از آب گلناباد و
اسلام آباد و خوردن آب گوارای آنها، لذت شب‌نشینی
در چهارگنبد را دوچندان می‌کند. بهار که آمد و طبیعت